

نقش محبت در اصلاح ارتباطات اجتماعی

(از منظر قرآن و روایات)

دکتر علی کربلائی پازوکی^۱

دکتر محمد صدقی

چکیده

نقش محبت در تنظیم روابط انسانی و برخورداری از یک زندگی سالم اجتماعی، موضوعی اساسی و کاربردی است که در آیات قرآن، سیره اهل بیت و سخنان اندیشمندان اسلامی بر آن تأکید فراوان شده است. با توجه به زندگی سرد و بی روح بشر امروز و جایگاه محبت در ایجاد، بسط و گسترش سعادت اجتماعی، این پژوهش درصدد بررسی نقش محبت در سامان بخشی، رشد و تعالی و بهینه سازی روابط انسان ها است. برای تحقق این مهم از روش توصیفی، تحلیل متن و شیوهی کتابخانه‌ای استفاده شده است. محبت نقش مهمی در پیوند و استحکام و تداوم روابط خانوادگی، سامان بخشی نابهنجاری های اجتماعی و رشد و تعالی روابط همسایگی و زندگی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان دارد. امروزه کم توجهی به مسئله محبت سبب چالش هایی در روابط اجتماعی، افزایش اضطراب، غم، غربت، احساس تنهایی و افسردگی گردیده است.

واژگان کلیدی: محبت، ارتباط، اجتماع، خانواده، همسایگان، غیر مسلمانان

مقدمه

امروزه بر کسبی پوشیده نیست که رفتار اجتماعی مردم تا حدودی نابهنجار گردیده و این نابهنجاری سبب آشفتگی روانی انسان‌ها و غیر قابل تحمل شدن زندگی برای بسیاری شده است. به گونه‌ای که بسیاری از مردم جهان از آن رنج می‌برند. الوین لویس تافلر (۱۹۲۸-۲۰۱۶م) نویسنده و آینده‌پژوه آمریکایی در این مورد می‌گوید: آیا تحولات تکنولوژیک و عصیان‌های اجتماعی به معنای پایان دوستی، عشق، تعهد و تعلق اجتماعی، دلسوزی و غمخواری نیست. آیا شیفتگی‌های الکترونیکی فردا روابط انسانی را از آنچه هست پوچ‌تر نخواهد ساخت. افسردگی روانی همه‌گیر شده است. بربریت و جنایت مد روز گردیده است. چه تعداد از زن‌های خانه‌دار، طبقات متوسط رو به بالا که به خاطر تنهایی و احساس یهودگی که فضای خانه‌های مجلل‌شان را پر کرده است، کارشان به آشفتگی و پریشانی کشیده، و چه مقدار حیوان اهلی که برای در هم شکستن سکوت یک خانه‌ی سوت و کور خریداری می‌شود (تافلر، ۱۳۷۸، ۵۰۳-۵۰۸).

اکنون که بشریت با چنین مشکل مهمی رو به رو است و مردم از روابط اجتماعی خود لذت نمی‌برند و زندگی بر آنان تنگ و احساس بیگانگی نسبت به یکدیگر دارند. آیا می‌توان راهکارهایی را تعریف و بیان کرد که در سایه‌ی آن‌ها تحولات مثبت در جهت استحکام روابط اجتماعی ایجاد شود؟ آیا دین به عنوان مجموعه معارفی که در صدد تأمین سعادت انسان‌ها در دنیا و آخرت است، برای این موضوع راهکاری دارد که بر اساس آن روابط اجتماعی را مهربانانه و رفتارهای اجتماعی را سامان ببخشد؟ مسائل زیادی در اصلاح رفتار اجتماعی سالم تأثیرگذار است؛ اما نقش محبت در این مورد یک مسأله کلیدی است؛ با توجه به اهمیت و جایگاهی که محبت در داشتن یک زندگی سالم و شیرین اجتماعی در بین انسان‌ها دارد و از سوی کمتر به این مسئله پرداخته شده است، در این تحقیق در صدد هستیم تا نقش محبت در روابط خانوادگی، همسایگی، اجتماعی، و روابط با غیر مسلمانان را بررسی کنیم.

مفهوم شناسی

۱- رفتار اجتماعی

رفتار اجتماعی چیست؟ ارتباط و وابستگی و تأثیر گذاری متقابل انسان‌ها در شبکه‌ی از همبستگی‌های اجتماعی که می‌تواند هم در جهت دوستی و هم در جهت دشمنی باشد را رفتار اجتماعی می‌گویند؛ این رفتار اجتماعی انسان‌ها با یکدیگر می‌تواند سبب عقب ماندگی یا پیشرفت جوامع بشود. پس مراد ما از رفتار اجتماعی آن روابط و وابستگی‌ها و تأثیری است که افراد اجتماع بر یکدیگر دارند (نک.....).

۲- محبت

محبت مصدر میمی است به معنای دوست داشتن. از مهر، ودّ، و داد، دوستداری و مودت است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۱۱، ۵۰۴). محبت دارای درجات است و به میزان معرفت انسان بستگی دارد؛ که اگر محبت زیاد شود از آن به عشق تعبیر می‌شود. «عشق» به معنای به حد افراط دوست داشتن، دوستی مفرط و محبت تام است (معین، ۱۳۷۵، ج ۲، ۲۳۰۳). مشتقات محبت در قرآن فراوان به کار رفته است؛ اما لفظ محبت فقط یک مرتبه آمده و به یک رفتار اجتماعی باز می‌گردد و آن جریان حضرت موسی و فرعون است؛ خداوند در قرآن می‌فرماید: «الْقِيَّتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِنِّي وَ لَتُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي» (سوره‌ی طه، آیه ۳۹) ای موسی ما محبت تو را در دل دشمنانت که تو را نمی‌شناختند قرار دادیم، تا اینکه تو در سایه‌ی این محبت به دست دشمنانت پرورش پیدا کنی. محبت در رفتارهای اجتماعی از آن درجه از اعتبار و اهمیت برخوردار است که سبب می‌شود دشمن انسان، انسان را پرورش دهد.

۳- رحمت

اولین سنگ بنای روابط انسانی محبت است؛ یکی از مظاهر و ثمرات محبت و شاید مهمترین اثر آن رحمت است. رحمت به معنای مهربانی، رقت قلب و احسان است (راغب اصفهانی: واژه رحم). به بیان دیگر رحمت و رقت قلب و مهربانی مترادف هستند؛ رحمت در مورد خدا به معنای احسان است (قرشی، ۱۳۷۸، ج ۳، ۷۰) صفت‌هایی که از رحمت مشتق می‌شود رحمان و رحیم است؛ اولین صفتی که در تمام ادیان خداوند به وسیله آن توصیف می‌شود رحمان و رحیم است؛ وقتی می‌گوییم «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ یعنی به نام خداوند محبت‌ها و مهربانی‌ها و احسان‌ها؛

رحمان صیغه مبالغه است؛ یعنی کثرت و وسعت را می‌رساند. به عبارت دیگر خداوند خیلی مهربان و نسبت به همه مهربان است. صفت رحیم دوام را می‌رساند؛ یعنی خداوند پیوسته مهربان است (طبا طبائبی ۱۳۷۸ ج ۱: ۳۰)

خداوند می‌فرماید: «وَوَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةٌ» (سوره غافر، آیه ۷)؛ یعنی ای مردم محبت من همه موجودات عالم را در بر گرفته و همه به عشق خدا در حال گردش و جست و جو و رشد هستند. محبت چنین تأثیری در عالم هستی می‌گذارد. یا وقتی که خداوند می‌خواهد پیامبر (ص) را معرفی کند می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۷) ای پیامبر ما تو را سبب مهربانی برای عالم فرستادیم.

مولوی نیز در مثنوی راجع به محبت می‌گوید:

از محبت تلخ‌ها شیرین شود

از محبت مس‌ها زرین شود

از محبت درها صافی شود

از محبت درد‌ها شافی شود

از محبت مرده زنده می‌شود

از محبت شاه بنده می‌شود

(مولوی، مثنوی، دفتر دوم)

معیار محبت

امت اسلامی بر این مسئله اتفاق نظر دارند که محبت خدا و رسول واجب و از شروط ایمان محسوب می‌شود. در حدیث از رسول الله (ص) آمده است: «لا یومن احدکم حتی یکون الله ورسوله احب الیک مما سواهما» بنده ایمان نمی‌آورد مگر اینکه خدا و رسول نزد او محبوب تر از مال، اهل و عیال و سایر مردم باشد. (فیض کاشانی، بی تا، ج ۸، ۴). در روایت از امام باقر (ع) می‌خوانیم: «هل الدین الا الحب والبغض» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۹۵) دین چیزی جز حب بغض نیست. قرآن می‌فرماید: «قُلْ اِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَاَبْنَاؤُكُمْ وَاِخْوَانُكُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَاَمْوَالٌ اَقْتَرَفْتُمُوهَا وَاَتِجَارَةٌ تَحْسَبُونَ كَسَادَهَا وَاَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا احَبَّ اِلَيْكُمْ مِنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ...» (سوره توبه، آیه ۲۴) (ای رسول ما امت را) بگو که اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشاوندان خود و اموالی که جمع آورده‌اید و مال‌التجاره‌ای که از کسادای آن بیمناکید و منزلی را که به آن دل خوش داشته‌اید بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست می‌دارید منتظر باشید

تا خدا امر خود را جاری سازد... این آیه در حقیقت می‌فرماید دوست داشتن باید خدایی باشد. محبت باید برای خدا و براساس مبنای خدایی باشد؛ مبنای دینداری در اندیشه اسلامی حب و بغض در راه خدا است. (سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ أَمِنْ الْإِيمَانِ هُوَ فَقَالَ وَهَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ) (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ۱۲۵).. بنابراین معیار اصلی محبت خدا و رسول است و محبت دیگران فرع و تابع محبت آنان است. با توجه به اینکه بندگان خدا، مخلوق و از جمله آثار الهی هستند، کسانی که خدا و رسول را دوست دارند، در روابط اجتماعی با مردم آنان را نیز برای رضای خداوند دوست خواهند داشت. در دعا نقل شده از پیامبر (ص) می‌خوانیم: خدایا محبت خودت و کسانی که تورا دوست دارند روزی من کن (فیض کاشانی، بی تا، ج ۸، ۶).

امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه در وصیت به امام حسن (ع) معیار محبت در روابط اجتماعی را اینگونه بیان می‌کند: ای پسر من! نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده. پس آنچه برای خود دوست داری، برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز مپسند، ستم روا مدار آنگونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکو کار باش آنگونه که دوست داری به تو نیکی شود، و آنچه را برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی، آنچه دوست نداری به تو نسبت دهند، درباره دیگران مگو (سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱).

مؤمنان به حکم اینکه عضو یک پیکر هستند، حامی و دوستدار یکدیگرند و به یکدیگر محبت می‌کنند. از پیامبر (ص) در حدیث مشهوری نقل شده است: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ: مَثَلُ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عَضْوٌ: تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى» داستان اهل ایمان در پیوند محبت و مهربانی و در عواطف بین خودشان داستان پیکر زنده است که چون عضوی به درد آید، سایر اعضا با تب و بی خوابی با او همراهی می‌کنند ابو الفتوح رازی، (۱۳۷۱، ج ۲، ۴۵). پیامبر (ص) فرمودند: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ» ایمان مسلمانان کامل نمی‌شود مگر اینکه آنچه برای خود دوست دارد برای برادر و خواهر دینی خود دوست داشته باشد (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰، جلد ۸، ۳۵۲) در روایتی دیگر می‌فرماید: «إِذَا أَحَبَّتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ فَإِنَّهُ أَتَيْتَ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنِكُمْ» (کلینی، ج ۲، ۶۴۴، ح ۲)؛ یعنی اگر برادر دینی خود را دوست داشتی به او اطلاع بده. زیرا وقتی به او بگویی دوست دارم او هم به تو علاقه‌مند می‌شود و

این سبب استحکام روابط اجتماعی می شود. بعد از بیان معیار محبت تأثیر محبت را در چهار گروه اجتماعی، روابط خانوادگی، روابط همسایگی، روابط میان مسلمانان، رفتار با غیر مسلمانان مورد مطالعه قرار می دهیم.

نقش محبت در روابط خانوادگی

قرآن می فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...» (سوره روم، آیه ۲۱) از نشانه های خدا این است که از جنس خود شما همسرانی آفریده که وقتی نزد آنها می روید آرامش بگیرید و محبت و علاقه را میان شما قرار داد. مودت، اظهار محبت است. یعنی باید محبت را به همسر بیان کرد؛ زیرا مودت ابراز محبت است؛ در روابط خانوادگی مبنای آن مودت (اظهار محبت) و رحمت (محبت) است تا زندگی گرم شود؛ پیامبر (ص) فرمود: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ، لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا» (حرعاملی، ج ۱۴، ۱۰)؛ یعنی اگر مردی به زنش بگوید من تو را دوست دارم، این جمله هرگز از ذهن زن خارج نمی شود و بعد دستور دادند که به همسران محبت خود را ابراز کنید تا پایه های زندگیتان محکم شود. همچنین از پیامبر نقل شده: هر چه ایمان انسان کامل تر باشد نسبت به همسرش بیشتر ابراز محبت می کند (نوری، ۱۴۰۸ ج ۱۴، ۱۵۷). و در مورد دیگر فرموده اند: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ التَّرْوِيجِ» هیچ بنیادی نزد خداوند محبوب تر و پسندیده تر از بنای ازدواج (خانواده) نیست (حرعاملی، ۱۳۶۷ ج ۱۴، ۳). در روایت آمده است: پیامبر (ص) امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را زیاد می بوسیدند؛ یعنی ابراز علاقه می کردند؛ شخصی به این ابراز علاقه ای اعتراض کرد و گفت من چندین بچه دارم اما تا به حال آنها را نبوسیده ام؛ پیامبر (ص) فرمودند: هر کس مهر و محبت نکند مشمول لطف و رحمت خدا قرار نمی گیرد. (حرعاملی ۱۳۶۷، ج ۲۰۳: ۱۵). بنابراین در روابط خانوادگی انسان باید محبت نسبت به همسر و فرزندان را ابراز کند، تا شامل لطف الهی شود و سبب ایجاد آرامش و گرمی کانون خانواده گردد.

در مورد اهمیت و ضرورت وجود محبت در روابط خانوادگی، امام صادق (ع) فرمودند: «بر شوهر در تعامل با همسرش سه چیز ضروری است، موافقت با او تا موافقت و محبت و میل او را به

خود جلب کند؛ خوش اخلاقی و آراستگی ظاهری در برابر او و گشایش زندگی برای او» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ۳۲۳).

نقش محبت در روابط همسایگی

همسایه‌ها سه دسته‌اند؛ بعضی فقط همسایه‌اند و هم دین ما نیستند؛ این همسایه‌ها یک حق بر گردن ما دارند و آن حق همسایگی است. بر این اساس ما باید نسبت به آنها محبت داشته باشیم. گاهی علاوه بر اینکه همسایه ما هستند هم دین ما نیز می‌باشند؛ این افراد دو حق بر گردن ما دارند؛ حق الجوار و حق الاسلام (حق همسایگی و حق اسلام). گاهی همسایه‌ها هم همسایه‌اند هم مسلمانند و هم از نزدیکان‌اند؛ که سه حق بر گردن ما دارند؛ حق الجوار و حق الاسلام و حق القرابه. پایین‌ترین وظیفه همسایگی طبق روایات حسن هم جواری، نیکی کردن و ابراز محبت نسبت به همسایگان است (فیض کاشانی، ج ۳: ۴۲۲-۴۲۶) در روایات آمده است؛ «لَيْسَ بِمُؤْمِنٍ مَنْ بَاتَ شَبَعَانَ رِيَّانَ، وَجَارُهُ جَائِعٌ ظَمَانًا» یعنی اگر همسایه‌ات گرسنه بخوابد و تو سیر بخوابی، مسلمان نیستی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ۶۶۸، ح ۱۴).

پیامبر (ص) فرمودند: «ما زالَ جبرئیلُ علیهِ السَّلامُ یُوصِیَ بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَثُهُ»؛ یعنی جبرئیل در مورد همسایه‌ها بسیار سفارش کرد که من خیال کردم همسایه‌ها از یکدیگر ارث می‌برند (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۸، ج ۲، ۳۹۶). مسأله همسایگی یک رابطه اجتماعی البته در قالب محدودتر است. با توجه به این روایات باید همسایه را دوست داشت و نسبت به آنها ابراز محبت کرد. این رابطه متقابل باعث گرمی و اصلاح روابط اجتماعی می‌شود؛ اما اگر احترام و محبت نباشد سبب سردی و سختی زندگی می‌شود. از جمله حقوق همسایگان که سبب استحکام رابطه عاطفی می‌شود، دعا برای آنان است. امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید: «رَأَيْتُ أُمِّي فَاطِمَةَ عَ قَامَتْ فِي مَحْرَابِهَا لَيْلَةً جُمِعَتْهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى انْتَضَحَ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعَتْهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَمِّيهِمْ وَ تَكْثُرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ فَقُلْتُ لَهَا يَا أُمَّاهُ لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ فَقَالَتْ يَا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ»، مادرم فاطمه (علیها السلام) را دیدم که شب جمعه در محراب خویش (به عبادت) ایستاده و پیوسته در رکوع و سجود بود تا آنکه سپیده صبح بردمید، و از او می‌شنیدم که برای مردان و زنان مومن دعا می‌کرد و نامشان را بر زبان جاری می‌ساخت و برایشان بسیار دعا می‌کرد ولی برای خویش هیچ دعا نمی‌کرد، پس به او گفتم: ای مادر! چرا

همان گونه که برای دیگران دعا می‌کنی برای خود دعا نمی‌کنی؟ فرمود: ای پسرکم! نخست باید همسایگان را دریافت آنگاه به خانه پرداخت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۶، ۳۱۳).

نقش محبت در ارتباطات اجتماعی مسلمانان با یکدیگر

اساس رفتار اجتماعی مسلمانان با یکدیگر بر اساس محبت تنظیم شده است. قرآن می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (سوره توبه، آیه ۷۱) یعنی مبنای ارتباط مسلمانان با یکدیگر باید بر اساس جاذبه روحی، مودت، ولایت محبت باشد. قرآن به پیامبر (ص) دستور می‌دهد در روابط اجتماعی با مسلمانان «خفص جناح» کند: «وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (سوره شعراء، آیه ۲۱۵) یعنی و پر و بال مرحمت و محبت بر تمام پیروان با ایمانت به تواضع بگستران. «خفص الجناح» شکستن بال کنایه از مردم را زیر پر و بال محبت خود گرفتن است. این تعبیر زیبا کنایه از تواضع همراه با محبت و مهر و ملاطفت است. همان گونه که پرندگان هنگامی که می‌خواهند به جوجه‌های خود محبت کنند بال‌های خود را گسترده و پایین می‌آورند و جوجه‌های خود را زیر پر و بال خود می‌گیرند. تا هم از حوادث مصون بمانند و هم از پراکندگی حفظ شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۵، ۳۶۷).

محبت کار دل است و آن را خدا در دل‌ها می‌اندازد؛ قرآن می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابِيَةَ» (سوره حدید، آیه ۲۷) خداوند در قلب‌های مومنان نسبت به یکدیگر رأفت و رحمت را قرار می‌دهد. قرآن به پیامبر (ص) می‌فرماید: «لَوْ اتَّفَقَتْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا آَلَفْتُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ» (سوره انفال، آیه ۶۳). عرب‌ها در دل‌هایشان نسبت به هم دشمنی داشتند خداوند می‌فرماید: ای پیامبر اگر هر آنچه در عالم است به آنان می‌دادی تا بینشان محبت ایجاد کنی ممکن نبود. خداوند دل‌های این‌ها را نرم کرد و محبت تورا در دل‌هایشان انداخت و با این محبتی که خداوند در دلشان انداخت احساس کردند با یکدیگر برادر هستند؛ پس محبت کار دل است و کار دل هم دست خداست؛ یعنی ما باید کار خود را انجام دهیم اما از خدا بخواهیم که اثر آن را ایجاد کند.

قرآن می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» (سوره فتح، آیه ۲۹) مؤمنان در رفتارشان رحیم‌اند؛ پیش از این گفتیم که رحمت و محبت با یکدیگر مترادف هستند؛ رفتار مؤمنین با یکدیگر محبت آمیز است. از پیامبر خدا (ص) نقل شده است: «وَأَلَذَى نَفْسِي بِيَدِهِ

لَا تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ حَتَّى تُؤْمِنُوا وَلَا تُؤْمِنُوا حَتَّى تَحَابُّوا أَوْ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ إِذَا فَعَلْتُمُوهُ تَحَابَبْتُمْ؟ أَفَشُوا السَّلَامَ بَيْنَكُمْ» (طبرسی، ۱۳۷۹، ۱۲۳)، یعنی به خدایی که جانم در اختیار اوست، وارد بهشت نمی شوید مگر مؤمن شوید و مؤمن نمی شوید، مگر این که یکدیگر را دوست بدارید. آیا می خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که با انجام آن، یکدیگر را دوست بدارید؟ سلام کردن را بین خودتان رواج دهید. سلام نشانه محبت است؛ در بعضی از کشورها به کارمندان دستور داده اند که وقتی مراجعه کننده وارد اتاق آنان شد باید به او سلام کنند.

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ» (سوره حجرات، آیه ۱۰) مومنان با یکدیگر برادرند؛ یعنی روابطشان باید برادرانه باشد؛ دو برادر یکدیگر را دوست دارند؛ اگر مؤمنان با یکدیگر برادرند باید یکدیگر را دوست داشته باشند. از منظر قرآن مؤمنین و مسلمانان در روابط اجتماعی باید یکدیگر را دوست داشته باشند و به یکدیگر محبت کنند و دیگری را بر خود ترجیح دهند. قرآن می فرماید: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (سوره حشر، آیه ۹)؛ دیگران را بر خود ترجیح می دهند، حتی اگر خودشان در سختی باشند؛ وقتی انسان کسی را خیلی دوست داشته باشد او را به خود ترجیح می دهد. در روابط اجتماعی شان به برادران دینی خود دعا می کنند و از خداوند می خواهند که کینه ها را از دل هایشان بزاید و به جای آن محبت و رأفت و الفت را قرار دهد و می گوید: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا» (سوره حشر، آیه ۱۰) و آنان که پس از مهاجرین و انصار آمدند (یعنی تابعین و سایر مؤمنین تا روز قیامت) دائم به درگاه خدا عرض می کنند: پروردگارا، بر ما و برادران دینی مان که در ایمان پیش از ما شتافتند ببخش و در دل ما هیچ کینه و حسد نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا، تویی که بسیار رؤوف و مهربانی.

نقش محبت در ارتباطات اجتماعی با غیر مسلمانان

در قرآن می خوانیم: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَفَرُوا مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» (سوره ممتحنه، آیه ۸) یعنی خداوند باز نمی دارد، شما را نسبت به کسانی که با شما در دین مقاتله نکرده اند و شما را از خانه هایتان بیرون نرانده اند عدالت و نیکی نسبت به آنان کنید، همانا خداوند دادگران را دوست دارد. قرآن به ما امر می کند که با اهل کتاب و حتی با مشرکین

که با مسلمانان جنگ نکرده‌اند و رفتار خصمانه نداشته‌اند، به آنها نیکی و احسان کنیم و با آنان عادلانه عمل کنیم. و نسبت به آنان رفتار محبت‌آمیز داشته باشیم. این لازمه‌ی دینی است که پیامبرش رحمه للعالمین است. تا همین رفتار نیکوی مسلمانان سبب گرایش غیر مسلمانان به اسلام شود. استاد مطهری در این مورد می‌گوید: اسلام دین بشر دوستی است لازمه بشر دوستی آن است که به سرنوشت و صلاح و سعادت واقعی همه انسان‌ها علاقه مند باشد... اسلام حتی مشرک را دوست دارد اما نه از آن نظر که مشرک است بلکه از این نظر که مخلوقی از مخلوقات خداوند است و از آن جهت که به هلاکت و ضلالت افتاده و راه نجات و سعادت را گم کرده است ناراحت است (مطهری، ۱۳۷۴، ۱۹-۲۰). قرآن در توصیف پیامبر (ص) می‌فرماید: مَا أَرْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى (سوره طه، آیه ۲) ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی. پیامبر علاقه زیاد و محبت به هدایت‌بندگان خدا حتی مشرکان داشت و در این راه بسیار خود را به سختی می‌انداخت و تلاش زیادی می‌نمود. پیامبر (ص) از عمل آنها ناراضی نبود اما هدایت آنها را دوست داشت. پس نسبت به آنان با مهر بانی رفتار می‌کرد. منافاتی بین اینکه انسان از عمل بد کسی راضی نباشد اما خود او و هدایتش را دوست داشته باشد، وجود ندارد.

هنگامی که حضرت علی (ع) مالک اشتر را به مصر فرستاد به او فرمود: مالک پوشش دل خود را از محبت و مهر نسبت به مردم پر کن؛ زیرا که مردم دو دسته‌اند؛ «إِمَّا أَخْ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ یا از نظر خلقتی مانند تو باشد یا برادر دینی تو هستند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، آن است که آیا در مصر زمان علی (ع) یهودی و مسیحی زندگی نمی‌کرد؟ افزون بر آن مشرکین هم زندگی می‌کردند اما مشرکی که در پناه اسلام بود. امام (ع) به مالک دستور می‌دهد نسبت به همه مهربان باشد.

ریشه همه ادیان (جدای از برخی تحریفات) در اصل یکی و روح حاکم بر آنها اسلام است؛ از این رو پیروان آنها باید نسبت به هم وابستگی روحی داشته و نسبت به یکدیگر مهربانی کنند.

تمایز بین محبت در اسلام و مسیحیت

محبت در مسیحیت به عنوان یک صلح کلی مطرح است، یعنی «همه را دوست داشته باشید و به آنها محبت کنید»؛ این رابطه از نوع موجه کلیه است. در حالی که در اسلام فقط می‌توان

خوب ها را دوست داشت و نسبت به جنایتکاران اگرچه در اجتماع ما زندگی می کنند؛ نمی توان ابراز محبت کرد؛ با آنان می توان انسانی رفتار کرد اما نباید به آنان ابراز محبت نمود؛ لذا بین محبتی که در اسلام مطرح است با محبتی که در مسیحیت مطرح می شود رابطه عموم خصوص مطلق برقرار است. دوست داشتن را می توان با تنبیه کردن جمع کرد؛ انسان بچه خود را دوست دارد اما ممکن است او را تنبیه بکند؛ آیا در آن لحظه که او را تنبیه می کند نسبت به او یک انزجار و نفرتی دارد؟! بنابراین تنبیه می تواند در قالب محبت نیز باشد.

تفاوت عشق و محبت

همان طور که پیشتر اشاره شد؛ محبت دارای درجات است و به میزان معرفت انسان بستگی دارد؛ که اگر محبت زیاد شود از آن به عشق تعبیر می شود. عشق به معنای به حد افراط دوست داشتن و محبت تام. اگر عشق ورزیدن را درجه بالای محبت بدانیم. می توان به غیر مسلمانان احترام گذاشت و آنان را دوست داشت و حریم آنها را رعایت کرد اما مراتب بالای محبت و عشق ورزیدن امری درون دینی و بین مسلمانان است. البته نکته ی قابل توجه آن است که در ابراز محبت و دوستی باید حریم های خصوصی و خانوادگی و شخصی را از حریم های عمومی تفکیک کرد. یعنی نوع و حدود ابراز محبت های ما نسبت به بستگان و خویشاوندان و همسران باید با نوع و حدود ابراز محبت با سایر انسان ها که یا هم دین و یا هم نوع ما هستند متفاوت باشد؛ تا حریم ها حفظ، جامعه و خانواده محفوظ و نوعی هرج و مرج محبتی ایجاد نشود که در صورت عدم رعایت مرزها عواقب ناگواری به همراه خواهد داشت.

شهاب الدین سهروردی (۵۴۹-۵۸۷ق) نیز از جمله حکمای مسلمان است که توجه خاصی به بحث حب و عشق داشته، به نظر او تمام جهان براساس مهر و قهر تشکیل شده است. او در جهان شناسی اشراقی خود، عشق را عامل تمام حرکات و تحولات و رابط وجودی میان تمام موجودات دانسته و معتقد است تمام موجودات عالم بهره ای از عشق دارند و همگی به سوی محبوب خود در حال حرکت اند (سهروردی، ۱۳۸۰، ج ۳، ۲۷۵). به عبارت دیگر حب و بغض است که جامعه را تشکیل داده اند؛

سهرودی در کتاب خویش، رساله فی حقیقه العشق یا مونس العشاق، در تعریف محبت می گوید معنای محبت همان شاد شدن یک ذات است به تصور حضور ذات دیگر: «المحبه، هی الابتهاج بتصور حضره ذات ما» (سهرودی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۳۴). او محبت را سرآغاز عشق می داند و معتقد است وقتی محبت لبریز شود و به غایت برسد، عشق نام می گیرد، و وقتی عاشق در مرتبه محبت به غایت سرسپردگی و دلدادگی نائل شود، سراپا اطاعت و فرمان برداری می شود؛ و در تعریف عشق می گوید: «العشق محبه مفرطه»؛ محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند (همان، ج ۲: ۲۸۶).

وی در مونس العشاق نیز ضمن به دست دادن تبیینی رمزی از عشق می گوید عشق اکسیری است که جان آدمی را از ناخالصی ها می پالاید و آن را برای خدا خالص می کند: به اعتقاد سهرودی، محبت از لوازم معرفت است و معرفت پایه و اساس محبت. معرفت اگر به امری خیر تعلق یابد، منشأ محبت خواهد بود و اگر به امر شری متعلق شود، منشأ عداوت. به نظر وی، معرفت اعم از محبت، و محبت اعم از عشق است؛ چراکه هر عشقی محبت است، اما هر محبتی عشق نیست، بلکه فقط محبت شدید عشق است؛ و همین طور هر محبتی معرفت است، اما هر معرفتی محبت نیست، بلکه فقط معرفتی محبت است که به امر خیر تعلق یابد (همان، ج ۳، ۲۸۶).

در آنجا محبت وقتی که شدید می شود برای آن تعبیر عشق را به کار می برند و می گوید: من در عرب باشم عشقم نامند و چون در عجم آیم مهرم نامند. درحقیقت مهر که در ایران هم بسیار مورد توجه بوده است؛ آئین میتراثیسم مورد توجه بوده؛ لذا مهربان کسی است که پاسبان مهر است. مهر همان محبت و عشق است که ریشه همه ادیان است؛ در واقع ریشه همه ادیان حقیقی آن توجه و مهری است که وجود دارد.

راهکارهایی در فرهنگ دینی برای ازدیاد محبت در روابط اجتماعی:

راهکارهای بسیاری در اسلام برای زیاد شدن محبت ذکر شده است؛ اما از مهمترین آنها تغافل و مدارا کردن است.

۱- تغافل؛ از ریشه [غفل]؛ یعنی خود را به غفلت زدن، نادیده انگاشتن، چشم پوشی نمودن، (به گونه ای که من خطایی از کسی می بینم اما طوری رفتار کنم که متوجه خطای آن فرد نشده ام)؛ حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: «إِنَّ الْعَاقِلَ نِصْفُهُ أَحْتِمَالٌ، وَ نِصْفُهُ تَغَافُلٌ» خردمندی، نصفش

تحمل و بردباری است و نصف دیگرش نادیده گیری (محمدی ری شهری، ۱۳۷۸، ج ۸، ۴۹۱). اصل تغافل برای این است که مهر و محبت در بین افراد اجتماع برقرار بماند.

۲- مدارا کردن؛ مدارا در زیاد شدن محبت نقش اساسی دارد. پیامبر (ص) فرموده است: «أَمْرِنِي رَبِّي بِمِدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرِنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ» خداوند همان گونه که من را به نماز خواندن امر کرد و به من امر فرمود با مردم مدارا کن (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۱۷، ح ۴). مدارا یعنی تحمل سختی‌هایی که از جانب مردم به سوی ما می‌آید. تا اینکه محبت‌های اجتماعی مستحکم بماند و از بین نرود.

۳- از جمله راهکارهای ابراز محبت در دنیای امروز که رفت و آمدهای فیزیکی مشکل شده است، ابراز محبت از طریق فضای مجازی می‌باشد. اگر چه این راهکار تا حدودی مفید است، اما اگر محدود به همین فضا شود آهسته آهسته ضعیف و نمی‌تواند اثر و کارکرد واقعی خود را داشته باشد.

نتیجه‌گیری

انسان بالضرورة یا بالطبع مدنی است و بدون ارتباطات اجتماعی ادامه حیات برای او ممکن نیست. برای داشتن یک ارتباط سالم، مناسب، صمیمانه و به دور از اضطراب و تنش عوامل زیادی تأثیر گذارند. از جمله مهم‌ترین آنها وجود یک رابطه محبت آمیز و مهربانانه بین افراد خانواده و جامعه انسانی است. اجتماعی آکنده از محبت و دوستی زمینه‌ی بسیار مناسبی برای پیشرفت و رشد افراد جامعه را فراهم می‌کند. این مسأله در آیات و روایات اسلامی مورد تأکید فراوان است.

قرآن بنیان خانواده را بر اساس رحمت، محبت و مودت بیان می‌کند و در روایات اسلامی ابراز محبت لفظی و عملی به همسر عامل اساسی استحکام خانواده و از نشانه‌های ایمان کامل ذکر شده است. وجود رابطه محبت آمیز بین اعضای خانواده سبب گرمی کانون خانواده، آرامش و رشد و تعالی خواهد شد.

وجود رابطه حسنه و محبت آمیز با همسایگان از جمله حقوقی است که تحت عنوان «حق الجوار» به مسلمانان امر شده است. در فرهنگ اسلامی همسایه چه مسلمان و یا از پیروان سایر ادیان

و یا حتی اگر غیرمتدین باشد از یک حق انسانی؛ یعنی داشتن رابطه مسالمت آمیز و دو ستانه با او برخوردار است.

در جامعه اسلامی مسلمانان به عنوان یک پیکر واحد با یکدیگر برادر و نسبت به هم مسئول‌اند. آموزه‌های قرآنی به مسلمان دستور داشتن رابطه اجتماعی داده است، که اساس آن بر پایه جاذبه روحی، مودت و ولایت محبت است. محبتی که خداوند آن را در قلوب مومنین نسبت به یکدیگر قرار داده است. در روایات اسلامی از جمله ملاک‌های ورود به بهشت و بهترین اموری که سبب رسیدن به قرب الهی می‌شود، دوست داشتن برادران دینی برای رضای خداوند بیان شده است. از این رو در دعا‌های قرآنی مؤمنین از خداوند می‌خواهند که حسد، کینه و بغض نسبت به برادران دینی‌شان از دل‌های آنان بر طرف و به جای آن محبت، رأفت و الفت را قرار دهد. به دلیل وجود همین رابطه محبت آمیز است که بر اساس فرهنگ قرآنی، دیگران را در نیازهای اجتماعی بر خود ترجیح می‌دهند؛ اگر چه خودشان دارای مشکلاتی هستند.

ریشه همه ادیان (جدای از برخی تحریفات) در اصل یکی و روح حاکم بر آنها اسلام است؛ از این رو پیروان آنها باید نسبت به هم وابستگی روحی داشته و نسبت به یکدیگر مهربانی کنند.

نتیجه آنکه: محبت در حقیقت خارج شدن از خود است تا خود خواهی از بین نرود، فضائل اخلاقی شکوفا نمی‌شود؛ جامعه با محبت که در آن رابطه حسنه وجود دارد و دیگران را بر خود ترجیح می‌دهند، آن‌گونه که فرهنگ اسلامی بیان می‌کند. جامعه‌ای صمیمی‌تر و با برکت خواهد بود؛ می‌توانیم کمبود این صمیمیت را در جوامع امروزی ببینیم؛ چیزی که در دین از ما خواسته خارج شدن از خود و رسیدن به فضائل اخلاقی است.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابو الفتوح رازی، حسین بن علی (۱۳۷۱) روض الجنان وروح الجنان، تصحیح محمد جعفر یاحقی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- اصفهانی راغب ابو القاسم، حسین بن محمد (۱۴۰۴) مفردات الفاظ القرآن، قم، دفتر نشر کتاب.
- تافلر، الوین لویس، (۱۳۷۸)، موج سوم، تهران، نشر علم.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶.ق)، تَفْصِيلُ وَسَائِلِ الشَّيْعَةِ إِلَى تَحْصِيلِ مَسَائِلِ الشَّرِيعَةِ، محقق: محمد رضا حسینی جلالی، ج ۱۴، قم، موسسه ی آل البيت.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱)، لغت نامه، ج ۱۱، تهران، دانشگاه تهران.
- سهرودی، شهاب الدین یحیی، (۱۳۸۰)، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، ج ۳ و ۴، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۹)، مَشْكَاهُ الْأَنْوَارِ فِي غُرَرِ الْأَخْبَارِ، مترجمان: مهدی هوشمندی، عبدالله محمدی، قم، دار الثقلین.
- طباطبائی محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱ قم، انتشارات اسلامی، روزنامه مطالعات قرآنی
- فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۳۸۳)، محجّه الیضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۸، قم، نشر اسلامی.
- قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۸)، قاموس قرآن، ج ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، اصول الکافی، ترجمه و شرح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳.ق)، بحار الانوار، ج ۲۷، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۹۰)، دانشنامه قرآن و حدیث، ترجمه: حمید رضا شیخی، ج ۸، چاپ اول، قم، دارالحدیث.

- محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۸)، میزان الحکمه، ترجمه: حمید رضا شیخی، ج ۸، چاپ اول، قم، دارالحديث.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، ولاء و ولایت‌ها، تهران، صدرا.
- معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ فارسی، ج ۲، چاپ سوم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۹)، تفسیر نمونه، ج ۱۵، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- مولوی، مولانا جلال‌الدین محمد، (۱۳۶۲)، مثنوی معنوی، دفتر دوم، بخش ۳۱، تهران، انتشارات پگاه.
- نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، موسسه ی آل البيت.

